

رابطه تمدن و معنویت از نگاه قرآن

محمدعلی محمدی*

اشاره

بررسی موضوع رابطه تمدن و معنویت از منظر قرآن کریم، از تحقیقات بایسته‌ای است که برای پی‌ریزی تمدن علوی و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن مهدوی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در این مقاله به دو پرسش پاسخ می‌دهیم: نخست اینکه آیا از منظر قرآن، دست‌یابی به تمدن، بدون توجه به معنویت امکان‌پذیر است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، آیا چنین تمدنی پایدار، مطلوب و سودمند است؟ به نظر نگارنده، بدون توجه به معنویت نیز دست‌یابی به تمدن تک‌بعدی، امکان‌پذیر ولی ناپایدار و برای دنیا و آخرت مردمان ناشایسته است. تمدن بدون معنویت، نه تنها نمی‌تواند آدمی را رستگار کند بلکه گاه موجب دور شدن آدمی از سعادت دنیوی و اخروی می‌شود. در تمدنی که بر پایه معنویت بنا نشود، برخی از نمادهای تمدنی، همانند معماری، توسعه صنعتی، کشاورزی و ... قابل دست‌یابی است ولی تمدن جامع، تنها در سایه توجه به معنویت و با عنایت به عقاید حقه حاصل می‌شود. در این مقاله، برای اثبات نظریه یادشده به مهم‌ترین تمدن‌هایی که قرآن از آن سخن گفته و سرنوشت تمدن‌های مذکور اشاره خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تمدن، معنویت، قوم ثمود، تمدن مصر.

* مربی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب.

درآمد

ضرورت دستیابی به تمدنی زنده، پویا، جامع و فراگیر که بتواند سعادت آدمی را تأمین کند، مسئله‌ای است که صرفِ تصور آن به تصدیقش می‌انجامد. امروزه که به برکت انقلاب اسلامی و تحت زعامت ولایت فقیه، کشور عزیز ایران، با سرعتی قابل توجه به سوی پی‌ریزی تمدنی قرآنی، اسلامی و علوی به پیش می‌رود، شایسته است اندیشوران با نظریه‌پردازی و نوآوری، ارکان تمدن بزرگ علوی را تبیین کنند و اجازه ندهند عده‌ای با دنباله‌روی از غرب، همان تمدن غربی را با پوششی متفاوت به جامعه عرضه کنند. مهم‌ترین وجه تمایز تمدن غربی و تمدن اسلامی، یا الگوی تمدن علوی، توجه به معنویت است. قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) انسان‌ها را به «زندگی پاکیزه» فرا می‌خوانند (انفال: ۲۴). این حیات طیبه در تمدن‌های مادی بشر وجود ندارد.

به نظر آیت الله خامنه‌ای، تمدن غرب بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد ... این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند انحرافش بیشتر می‌شود.

آنچه اهمیت بررسی «تمدن از منظر قرآن» را دوچندان می‌کند این است که قرآن نه تنها کتابی آسمانی و وحیانی و خالی از هر گونه تحریف و تغییر است، بلکه کتابی است که وقایع تاریخ را آن‌گونه که بوده گزارش کرده، نه آن‌گونه که پادشاهان خودکامه می‌خواستند.

یکی از وجوه اعجاز قرآن نیز اعجاز تاریخی قرآن است. بدین معنا که آنچه قرآن کریم درباره تاریخ بیان کرده، کاملاً واقعی و حقیقی است؛ و اگر از ظهور یا افول تمدنی سخن گفته و علل افول آن تمدن را برشمرد، در واقع، از سنن الاهی و سنت‌مندی تاریخ پرده برداشته است.

با مطالعه موضوع تمدن از منظر قرآن، می‌توان تمدن مطلوب قرآن را شناسایی، و تمدنی نوین بر اساس وحی پایه‌گذاری کرد.

این مقاله بر این فرضیه استوار است که نگاه قرآن به تمدن، ارزش‌مدارانه نیست و داشتن تمدن به خودی خود، ارزش محسوب نمی‌شود. تمدن بدون معنویت، نه تنها نمی‌تواند آدمی را رستگار کند بلکه گاه موجب می‌شود آدمی از سعادت دورتر شود. بررسی تمدن‌هایی که در قرآن بدان اشاره شده، و عاقبت آن تمدن‌ها، دلیلی بر مدعای فوق است.

تعریف تمدن

واژه «تمدن» از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر، شهرنشینی و خو گرفتن به اخلاق مردم شهر (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۵)، اخلاق شهری پیدا کردن، انتقال از حالت خشونت، توحش و جهل به ظرافت، انس و معرفت است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۱۰۹/۴). این واژه در مقابل بادیه‌نشینی و بربریت (همان: ۳۸۳۶/۳ و ۳۹۱۲) به کار رفته و واژه‌های المدنیّة، الحضرة، الحضارة (طبییان، ۱۳۷۸: ۲۷۳)، الحضارة (سیاح، ۱۳۷۲: ۳۷۱) در عربی و Civilization در انگلیسی (زناتی، ۲۰۰۶: ۳۱/۱؛ الیاس، ۱۹۷۹: ۱۴۵) و فرانسوی و zivilisation در آلمانی (یونکر، ۱۳۷۱: ۱۷۸) برای رساندن مفهوم تمدن به کار می‌روند. ابن‌خلدون و برخی دیگر از دانشمندان نیز برای مفهوم تمدن از کلیدواژه‌های «العمران» و «الحضارة» سود جستند (ابن‌خلدون، ۱۴۱۶: ۱۷۲).

دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌هایی متفاوت از این مفهوم ارائه کرده‌اند (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۴۹؛ دورانت، ۱۳۷۸: ۳؛ ابن‌خلدون، ۱۴۱۶: ۱۲۲؛ پیرو، ۱۳۶۶: ۴۷).

ابتدا بهتر است مقومات و بایسته‌های ضروری تمدن را از نظر بگذرانیم تا در سایه آن، به تعریف دقیق تمدن نزدیک شویم. برخی از مقومات تمدن عبارت‌اند از:

- ✓ پیشرفت مادی و معنوی یا حداقل پیشرفت مادی؛
- ✓ ایجاد یا رونق چشم‌گیر مجموعه‌ای از دانش‌ها و فنون؛
- ✓ وجود پشتوانه ایدئولوژی برای جامعه؛
- ✓ وجود سازمان‌ها و ساماندهی زندگی اجتماعی؛
- ✓ پدید آمدن نهاد اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی.

با توجه به مجموع آنچه گذشت، به نظر نگارنده، تمدن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تمدن یعنی ایجاد یا رونق چشم‌گیر مجموعه‌ای از دانش‌ها، فنون و صنایع، با پشتوانه ایدئولوژی، برای کنترل طبیعت، که نتیجه آن پیشرفت مادی و غیرمادی جوامع و پدید آمدن نهاد اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی خواهد بود».

قرآن و تمدن

الف. واژه‌شناسی تمدن از نگاه قرآن

هرچند کلمه «تمدن» در قرآن نیامده، ولی ریشه این کلمه یعنی «مدن» ۲۷ بار در ۲۷ آیه

و ۱۵ سوره به کار رفته است. از این بین ده بار آن واژه «مدین» و سه بار آن واژه «مدائن» به معنای شهرها است. کلمه «مدینه» نیز ۱۴ بار در قرآن آمده است که ۴ بار آن به معنای یثرب و مدینه‌النبی و ۱۰ بار آن به معنای غیر از شهر یثرب به کار رفته است. از این رو برای بررسی تمدن از نگاه قرآن باید به واژه‌هایی که مفهوم تمدن یا مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن را می‌رساند مراجعه کرد. مفاهیمی همانند برخی مشتقات واژه‌های «مکن» و «قوة»، «عمر» به معنای عمران همانند (عمروها و استعمرکم). همچنین لازم است عبارتی همانند «آثاراً فی الأرض» و جملاتی که مفید معنای «تمدن» است نیز بازبینی شود (هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، ۱۳۸۵: ۵۲۱/۸).

ب. قرآن و نشانه‌های تمدن

با توجه به آنچه درباره مقومات و تعریف تمدن گذشت و نیز با مراجعه به آیاتی از قرآن کریم که درباره اقوام پیشین بیان شده، معیارهای زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین معیارهای وجود یا عدم وجود یک تمدن در اقوام پیشین به حساب آورد:

- ✓ داشتن حکومت مقتدر
- ✓ وجود امنیت کامل در منطقه تمدنی
- ✓ توسعه ارتباطات و حمل و نقل
- ✓ توسعه سدسازی
- ✓ پیشرفت‌های شگرف معماری و ساختن بناهای زیبا و مستحکم
- ✓ توسعه کشاورزی و پیشرفت در روش‌های کاشت، داشت، برداشت، سیلوسازی و ذخیره‌سازی مواد غذایی
- ✓ توسعه فرهنگی
- ✓ آموزش و پرورش همگانی و ...

اگر معیارهای مذکور را به عنوان معیارهای تمدن بپذیریم، در قرآن کریم برخی از اقوام به عنوان اقوامی که تمدنشان ویژگی‌های فوق را داشته است معرفی شده‌اند. از این رو می‌توان آنها را از افراد باتمدن دانست و با بررسی توجه یا بی‌توجهی آنان به معنویت، می‌توان به نقش معنویت در ظهور و افول تمدن‌های بشری پی برد.

ج. تمدن‌های معرفی شده در قرآن

۱. تمدن قوم عاد

قرآن کریم ۲۴ مرتبه از قوم عاد سخن گفته است. بعضی از مورخان معتقدند «عاد» بر دو قبیله اطلاق می‌شود؛ قبیله‌ای از انسان‌ها که قبل از تاریخ بودند و در جزیره عربستان زندگی می‌کردند. سپس از میان رفتند و آثارشان نیز از میان رفت، و تاریخ بشر از زندگی آنان جز افسانه‌هایی که قابل اطمینان نیست حفظ نکرده است، و تعبیر قرآن عاد الاولی (نجم: ۵۰) را اشاره به همین گرفته‌اند.

اما در دوران تاریخ بشر و احتمالاً حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح یا قدیم‌تر، قوم دیگری به نام عاد وجود داشتند که در سرزمین «احقاف» یا «یمن» زندگی می‌کردند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۴۷/۹).

قوم عاد، تمدنی پیشرفته داشتند و به ویژه در فنون معماری و ساخت و ساز، سرآمد بودند. بسیاری از آیات قرآن، بر وجود تمدن در این قوم دلالت می‌کند. نمادهای تمدنی آنان را می‌توان در پیشرفت‌های معماری، توسعه صنعتی، کشاورزی، دامداری و ... جست‌وجو کرد. خداوند در سوره شعراء (شعراء: ۱۲۸-۱۲۹)، فجر (فجر: ۶-۸) و ... به برخی از مظاهر تمدنی آنان اشاره کرده است از جمله:

معماری؛ آنان قصرهای مستحکم و باشکوه می‌ساختند؛ این مطلب از آیات ۱۲۷ و ۱۲۸ سوره شعراء استفاده می‌شود. اتخاذ به معنای ساختن، مصانع، به مفهوم کاخ‌های استوار و ریع به معنای زمین مرتفع و بلند است. آیه «ارم ذات العماد» نیز بر پیشرفت‌های شگرف معماری آنان دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۵).

برج‌سازی؛ آنان برج‌های بلند و ساختمان‌های مرتفع زیادی ساخته بودند؛ زیرا «عماد» به معنای ساختمان‌های بلند است و به یک ساختمان «عمادة» گفته می‌شود. از اینکه به جای «عمادة» از «عماد» استفاده شده درمی‌یابیم آنان نه یک برج، بلکه برج‌ها ساخته بودند. ساختمان‌های مرتفع سرزمین ارم، در تمام سرزمین‌ها تا عصر بعثت بی‌نظیر بود (فجر: ۸).

سدسازی؛ پیشرفت‌های آنان در صنایع سدسازی را می‌توان از آیه شریفه «و تتخذون مصانع» استفاده کرد؛ زیرا «مصانع» به معنای «مآخذ الماء» نیز به کار می‌رود (زمخشری، ۱۹۷۷: ۳۲۶/۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۲۲/۷).

صنایع سنگبری؛ از آیه ۱۲۹ شعراء می‌توان استفاده کرد که قوم عاد، از صنعت، برای برش کوه‌ها و ساخت ساختمان‌های سر به فلک کشیده و محکم کردن برج‌های دیده‌بانی و غیره استفاده می‌کردند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۶۱۰/۵).

صنایع کشاورزی و دامداری؛ قوم عاد در کشاورزی و دامداری نیز سرآمد بودند. وجود چشمه‌سارهای پرآب و سدها و آبگیرهای مستحکم و عمیق و پیشرفت‌های صنعتی، باعث رونق کشاورزی آنان شده بود. به پیشرفت‌های صنعتی آنان در آیات ۱۲۳-۱۲۴ و ۱۳۲-۱۳۴ سوره شعراء اشاره شده است.

انعام شامل گاو و گوسفند و شتر می‌شود و تنها در زمانی که هر سه حیوان یادشده در جایی وجود داشته باشد از کلمه انعام استفاده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۵). این سخن نشان‌دهنده آن است که قوم عاد در دامداری پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند. کلمه جنات (شعراء: ۱۳۴)، جمع، و مفرد آن جنه است. جنه به باغی گفته می‌شود که درختان آن به قدری زیاد است که تمام سطح زمین را فرا گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۰۳).

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت آنها غالب مظاهر تمدنی زمان خود را داشتند ولی مشکل اصلی آنها مادی‌گرایی محض، بت‌پرستی (اعراف: ۷۰)، استکبار، (فصلت: ۱۵)، استبداد، (هود: ۵۹)، تمسخر (ابراهیم: ۹)، آزدن پیامبران الهی (ابراهیم: ۱۲-۱۳ و ...)، ارتجاع و واپس‌گرایی (هود: ۵۳)، بی‌تقوایی (اعراف: ۶۵) و ... بود (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵۰/۱۹-۴۹۱) که همه این امور ریشه در دوری از معنویت و خداناباوری دارد. امور یادشده سرانجام دامن‌گیر عادیان شد. آنها به عذاب الهی دچار شدند و تمدن و پیشرفت‌هایشان نتوانست مانع نابودی‌شان شود (ذاریات: ۱۴).

۲. تمدن قوم ثمود

ثمود قوم بزرگی از اعراب بادیه‌نشین بودند که بین حجاز و شام، در مکانی که امروزه به نام مدائن مشهور است، زندگی می‌کردند (ابن عاشور، ۱۴۰۰: ۱۶۷/۸). سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌های بسیاری از ثمودیان در کوه اثلَب و دیگر نقاط شبه‌جزیره عربستان یافت شده است که نشان‌دهنده تمدن آنهاست. قوم ثمود در سرزمینی زندگی می‌کردند که هم دشت‌های مسطح با خاک‌های مساعد و آماده داشت، که می‌توانستند قصرهای مجلل و

خانه‌های مرفه در آن بسازند، و هم کوهستان‌های سنگی و سر به فلک کشیده‌ای داشت که می‌توانستند خانه‌هایی مستحکم در دل سنگ‌ها (برای فصل زمستان و شرایط جوی سخت) ایجاد کنند.

مظاهر تمدنی آنان را می‌توان در سوره‌های اعراف (۷۳-۷۴)، حجر (۸۰ و ۸۲)، شعراء (۱۴۱ و ۱۴۶-۱۴۹)، نمل (۴۵ و ۴۸ و ۵۲)، فجر (۹) و ... یافت.

شهرنشینی ثمودیان؛ زندگی شهری از نمادهای تمدن است و قوم ثمود جمعیت فراوان و زندگی شهری خاصی داشتند؛ این مطلب از آیات ۴۵-۴۸ سوره نمل استفاده می‌شود. کلمه «مدینه» و «رهط» که در آیه شریفه آمده، نشان‌دهنده تمدنی شهری و پرجمعیت است. فاسدان این شهر، نه گروه بودند و کشتن ناقه صالح نیز به دست این گروه‌های نه‌گانه تبهکار انجام شد (قمی، ۱۳۶۷: ۳۳۲/۱).

این قوم، تمدن خود را بر پایه استفاده حداکثری از مواهب مادی و بی‌توجهی کامل به مواهب معنوی پایه‌ریزی کرده بودند؛ سلب آزادی‌های دینی (ابراهیم: ۹، ۱۳ و ۱۵)، تمسخر و استهزاء (ابراهیم: ۹)، فساد و تباهی (شعراء: ۱۴، ۱۴۷-۱۴۹)، شرک و بت‌پرستی (اعراف: ۷۳؛ هود: ۶۱-۶۲)، غرور و تکبر (قمر: ۲۳)، سرمستی و اتراف (شعراء: ۱۴۹)، شقاوت و خیره‌سری (شمس: ۱۱-۱۲)، عصیان و سرکشی (اعراف: ۷۳ و ۷۵) و دیگر صفات از خدا بی‌خبران، بین این قوم به ظاهر متمدن رواج یافته بود (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۸۵/۹-۴۲۸).

خدافراموشی، که سرچشمه همه صفات یادشده بود، باعث شد بساط این تمدن کهن در هم بیچد. خداوند در آیات قمر (۲۳-۳۰)، ذاریات (۴۳-۴۴)، ص (۱۲-۱۵)، شعراء (۱۴۱-۱۵۸) و ... از سرنوشت شوم این قوم سخن گفته است (هاشمی رفسنجانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۲۱).

۳. تمدن مصر باستان

تمدن مصر باستان، حدود پنج تا شش هزار سال در اوج شکوفایی بود. حدود سه هزار سال قبل از افلاطون، پیشرفت هندسه و ریاضیات در مصر به حدی رسید که صاحب آثار بی‌ظیری در هیئت، نجوم و فلسفه شدند (شایسته، ۱۳۸۱: ۱۹). این تمدن را در دو دوره متمایز می‌توان بررسی کرد: ۱. تمدن مصر مقارن حضرت یوسف (ع)؛ ۲. تمدن مصر مقارن حضرت موسی (ع).

الف. تمدن مصر در دوران یوسف (ع)

قرآن کریم در آیات فراوانی از حضرت یوسف (ع) سخن گفته که از آن می‌توان شکوفایی تمدن مصر باستان در آن عصر را استخراج کرد. برخی از مظاهر تمدن در زمان حضرت یوسف (ع) عبارت‌اند از:

توسعه کشاورزی؛ پیشرفت در روش‌های کاشت، داشت، برداشت و ذخیره‌سازی مواد غذایی از مهم‌ترین مظاهر تمدنی انسان‌ها است. این بخش از توسعه در زمان حضرت یوسف (ع) به خوبی وجود داشت و شاهد آن ذخیره‌سازی هفت‌ساله گندمی بود که به پیشنهاد یوسف انجام شد (یوسف: ۴۷-۴۹).

وجود حکومت مقتدر و قوی؛ آیات ۵۵-۵۶ سوره یوسف، به ویژه جملات «مَكَّنَا لِيُؤَسِّدَ فِي الْأَرْضِ» و «يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ» به خوبی بر قوت و اقتدار حکومت یوسف (ع) و تمدنی که آن حضرت پایه‌گذاری کرد، دلالت دارد.

شبکه اقتصادی؛ در تمدن زمان حضرت یوسف (ع) این شبکه داد و ستد و عرضه و تقاضا به شکل گسترده‌ای وجود داشت، که حرکت مردم از دیگر شهرها و کشورها برای خرید و فروش در کشور مصر، که در قرآن نیز بدان اشاره شده (یوسف: ۵۹-۷۳) نمونه‌ای از این شبکه اقتصادی است.

ب. تمدن مصر مقارن حضرت موسی (ع)

قرآن کریم در چندین آیه از تمدن مصر مقارن ظهور حضرت موسی (ع) یاد کرده و در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که بنی‌اسرائیل، وارثان تمدن و امکانات گسترده فرعونیان در مصر بودند (اعراف: ۱۳۷). برخی از مظاهر تمدنی آنان عبارت است از:

صنایع شهرسازی و معماری؛ علاوه بر قرآن (اعراف: ۱۳۷)، در منابع تاریخی نیز از معماری پیشرفته مصریان سخن بسیار گفته شده است. معماران در مصر باستان، آثاری به وجود آورده‌اند که نه فقط از حیث بزرگی و شکوه، بلکه از نظر کمال فنی نیز فوق‌العاده است. آنان معبدها و آرامگاه‌ها، که خانه خدایان و مردگان بود، را با سنگ‌های سخت و آهنکی می‌ساختند. گاه نیز معبدها و آرامگاه‌ها را در بدنه سنگ می‌تراشیدند، که برخی از آن بناها هنوز نیز بر جای مانده است (ماله و ژول، ۱۳۴۲: ۱۶).

صنایع کشاورزی؛ در آیه ۱۳۷ سوره اعراف، به پیشرفت‌های کشاورزی آنان اشاره شده است. شاید علت آن وجود «رود نیل» باشد که از جنوب تا شمال بیابان مصر را درمی‌نوردد (کوروفکین، ۱۳۵۹: ۵۳). نیل، عامل مهمی در یگانگی کشور و پیشرفت بازرگانی داخلی بود. وجود چنین رودی در کنار سایر مظاهر تمدنی، باعث پیشرفت فوق‌العاده آنان در امر کشاورزی بود (ماله و ژول، ۱۳۴۲: ۲۲).

پیشرفت‌های سیاسی؛ گویا قوم فرعون، بر تمام (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۷۲/۷) یا بخش اعظم سرزمین‌های مسکونی حکومت می‌کردند. این مطلب از جمله «مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا» استفاده می‌شود. زیرا سرزمین‌های کوچک، مشرق‌ها و مغرب‌های مختلف و به تعبیر دیگر افق‌های متعدد ندارد، اما یک سرزمین پهناور، حتماً اختلاف افق و مشرق‌ها و مغرب‌ها، به خاطر خاصیت کرویت زمین، خواهد داشت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۳۲۹/۶).

آیات ۵۳-۵۹ سوره شعراء نیز بر وجود مجلس قانون‌گذاری در مصر دلالت می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۰۵/۱۴). علاوه بر آیات مذکور، آیات ۴-۶ سوره قصص، ۱۷ و ۲۴-۲۸ سوره دخان و ... بر تمدن مصریان دلالت دارد. بی‌توجهی به معنویت، پرستش اربابان به ویژه فرعونیان بلای خانمان‌سوزی بود که گریبان این تمدن عظیم را گرفت و آن را به نابودی کشاند. قرآن کریم عاقبت آنان را چنین به تصویر می‌کشد:

(آنان نابود شدند و) چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها که از خود به جای گذاشتند، و زراعت‌ها و قصرهای زیبا و گران‌قیمت، و نعمت‌های فراوان دیگر که در آن (غرق) بودند! این‌چنین بود ماجرای آنان! و ما قوم دیگری وارث آنان قرار دادیم! (دخان: ۲۵-۲۸).

که مقصود از این «قوم دیگر»، بنی‌اسرائیل است که وارث فرعونیان شدند (نیز نک: اعراف: ۱۳۷؛ شعراء: ۵۷-۵۹).

۴. تمدن در دوران داوود (ع) و سلیمان (ع)

یکی دیگر از تمدن‌هایی که در قرآن از آن یاد شده، تمدن دوران داوود (ع) است. آیات ۱۷-۲۰ سوره ص، بر وجود حکومت مقتدر و نیز عادل در زمان حضرت

داوود (ع) دلالت می‌کند که وجود چنین حکومتی از مظاهر تمدن است. مفسران در تفسیر جمله «و شدّ ذننا مُلکة» گفته‌اند: یعنی مُلک او را با نگهبانی و لشکریان و شکوه و زیادی نیرو و افراد فراوان، قوی گردانیدیم (طبرسی، ۱۴۰۶: ۷۳۲/۸). این تفسیر ثابت می‌کند که در آن زمان سازمان‌های سیاسی-اجتماعی پیشرفته‌ای ایجاد شده بود. زیرا بدیهی است بدون سازماندهی دقیق نمی‌توان لشکری انبوه را مدیریت و فرماندهی کرد.

بنا بر آنچه در یکی از روایات شیعه و آنچه در کتاب مقدس آمده، حضرت داوود ۴۰ سال بر بنی اسرائیل سلطنت کرد (۸۷۶-۸۳۶ قبل از میلاد). از چهل سال پادشاهی، هفت سال و ۶ ماه آن، حکومت بر یهودا در حبرون بود و ۳۳ سال بر کل اسرائیل و یهودا در اورشلیم (شموئل، ۴/۵-۵). در مزامیر داوود آمده است که حضرت داوود کوشید عدالت و انصاف را در بین مردم برقرار کند. از مهم‌ترین اقدامات وی، تبدیل اتحاد ضعیف اسباط یهودی به جای مانده از دوران قدیم، به یک سیستم یکپارچه سیاسی و ملی بود. او سرزمین مقدس را به ۱۲ منطقه سیاسی-اداری، که لزوماً منطبق بر تقسیمات قبیله‌ای نبود، تقسیم کرد. همچنین دادگاه دولتی و مدیریت مالی شهرها، ارتش و امور دینی را تشکیل داد و یک سیستم جمع‌آوری مالیات بنا نهاد و صندوق عهد را به اورشلیم منتقل کرد (شموئل، ۳/۲) و نخستین بار پس از دوران رهبری حضرت موسی (ع)، به سرشماری رسمی قوم به منظور محاسبات تأمین سرباز و اخذ مالیات پرداخت، که همه اینها نمونه‌هایی از ایجاد تمدنی شگرف است.

برخی از مصادیق بزرگ تمدنی دوران حضرت سلیمان (ع) که در قرآن بدان اشاره شده عبارت است از:

معماری پیشرفته؛ به پیشرفت‌های معماری در آیات ۱۶ و ۴۴ سوره نمل اشاره شده است. کلمه «صرح» که در آیه ۴۴ نمل آمده گاه به معنای فضای وسیع و گسترده و گاه به معنای بنای مرتفع و قصر بلند، آمده است. هر کدام که باشد نشان‌دهنده شکوه و جلال قصر مذکور است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۸۲/۱۵).

سلیمان پیش از آنکه ملکه سبأ به سرزمین شام برسد دستور داد چنین قصری بنا کردند (همان؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۵۱/۷) و ساختن چنین قصری در مدتی بسیار کوتاه می‌تواند نشان‌دهنده اوج هنر و توان معماری در آن زمان باشد.

استفاده از نیروهای فراطبیعی؛ مردم می‌توانند در حدی که خداوند اجازه داده، نیروهای فراطبیعی را نیز به خدمت خود درآورند. بهترین استفاده از مظاهر فراطبیعی در زمان حضرت سلیمان مشاهده می‌شود. برخی از آن مظاهر عبارت‌اند از:
حمل و نقل؛ جابه‌جا کردن تخت بلقیس از فاصله صدها کیلومتر آن طرف‌تر و آوردن آن نزد حضرت سلیمان (نمل: ۳۸-۴۰).

معماری و مهندسی؛ استفاده از نیروهای جنیان در ساخت قصرها و خانه‌ها (سبأ: ۱۲-۱۳). هرچند همکاری جنیان در ساخت بناهایی که به دستور حضرت سلیمان ساخته می‌شد، گاه با اغراق‌هایی نیز همراه است (میدی، ۱۳۷۱: ۴۸۱/۵)، ولی بنای معبد اورشلیم، که در سال چهارم سلطنت حضرت سلیمان و به دستور آن حضرت ساخته شد، از بزرگ‌ترین شاهکارهای معماری جهان بود که بنا بر گزارش‌های تاریخی ۱۸۳۶۰۰ نفر در ساختن آن مشغول به کار بودند. این بنا چندین سالن بزرگ برای عبادت با سردرها و ستون‌های بسیار بلند داشت (شاه‌مرادی، ۱۳۸۴: ۲۳۱-۲۳۵) و علاوه بر کتاب مقدس، در کتاب‌های تاریخ یهود، خصوصیات آن به تفصیل بیان شده است.

به کارگیری پرندهگان برای پیام‌رسانی؛ حضرت سلیمان برای نامه‌رسانی از پرندهگان استفاده می‌کرد (نمل: ۲۰-۳۰).

قدرت نظامی؛ حضرت سلیمان نیروی نظامی عظیمی در اختیار داشت که هیچ قدرتی یارای مقاومت در برابرش را نداشت (نمل: ۳۷).

مورخان در این باره اتفاق نظر دارند که سلیمان (ع) به ضرورت تشکیل لشکری نیرومند برای دفاع از دولت پی برده بود. منابع تاریخی کاربرد نخستین بار «ارابه‌های جنگی» را در سپاه اسرائیل به سلیمان نسبت می‌دهند (بیومی، ۱۳۸۳: ۱۴۳/۳). در تورات می‌خوانیم: «مملکت «آرام‌صوبه» را شکست داد، بر صدها اسب دست یافت».

حمل و نقل با نیروی باد؛ نه تنها تندباد (انبیاء: ۸۱)، بلکه بادهای ملایم نیز به فرمان سلیمان بود (ص: ۳۶). آن حضرت و لشکریانش به کمک باد صبحگاهان به اندازه یک ماه و عصرگاهان نیز به اندازه یک ماه مسافت را می‌پیمودند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۷۴/۱۳).

پیشرفت صنعتی؛ آن حضرت برای توسعه صنایع غذایی، ایجاد آشپزخانه‌های صنعتی و پیشرفت در اموری همانند غواصی نیز از نیروهای فرابشری استفاده می‌کرد

(انبیاء: ۸۲). جنیان محراب‌ها و معابد بسیار عالی و زیبا و وسایل مختلف زندگی، از جمله دیگ‌ها و سینی‌های بسیار بزرگ و مانند آن، برای او می‌ساختند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۷۶/۱۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۱۴/۱۴).

توسعه سیاسی؛ سیاست‌های حضرت سلیمان (ع) را در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی می‌توان بررسی کرد.

۱. سیاست داخلی: حضرت سلیمان (ع) سیاست داخلی خود را بر اساس توجه ویژه به عموم مردم پایه‌گذاری کرده بود. این مطلب از آیاتی همانند آیه ۱۶ سوره نمل و ... قابل استفاده است. زیرا در این آیه وی عموم مردم را مخاطب قرار داده، ویژگی‌های خود را برای آنان تبیین می‌کند. در تاریخ نیز، به نمونه‌های دیگری از سیاست داخلی آن حضرت اشاره شده است. حضرت سلیمان (ع) ارزش و فضیلت قانون و نظم را به ملت خویش آموخت و آنان را از جنگ بازداشت و به صنعت و صلح و آرامش رساند (دورانت، ۱۳۷۸: ۳۵۷). او بر همه رعایای خود، مالیات سرانه قرار داده بود. تجارت ریسمان، اسب و ارابه در انحصار دولت بود. وی بیشتر درآمد مملکت را برای تحکیم اصول حکومت و زیباسازی پایتخت هزینه می‌کرد (همان: ۳۵۹).

۲. سیاست خارجی: آیات ۲۲ تا ۴۴ سوره نمل، به نمونه‌هایی از سیاست خارجی حضرت سلیمان (ع) اشاره دارد. مکاتباتی که بین ایشان و ملکه سبأ مبادله شد، نمونه‌ای از گفت‌وگوهای سیاسی آن حضرت در برابر دیگر کشورها را نشان می‌دهد. حضرت سلیمان (ع) سیاست خارجی خود را بر دو پایه اقتدار و حسن هم‌جواری پایه‌ریزی کرده بود. وی در برابر کسانی که مردم را از راه خداوند باز می‌داشتند و به کفر و شرک دعوت می‌کردند با قوت و اقتدار برخورد می‌کرد. در عین حال، برای اثبات حسن نیت و رعایت حسن هم‌جواری، از دختران هر یک از امیران عمونی، موآبی، آرامی، کنعانی، حبشی و ... یکی را به زنی گرفته بود. وی با فرعون مصر نیز چنین رابطه‌ای برقرار کرد، چنان‌که امیره مصری، بانوی نخست کشور او بود (عهد قدیم، اول پادشاهان، ۳/۱؛ نیز: ابن‌واضح یعقوبی، بی‌تا: ۵۷/۱).

برخی دیگر از شاخصه‌های مذکور را می‌توان این‌گونه برشمرد:

تشکیلات نظامی و مجهز کردن سپاه به تکنولوژی روز

استفاده بهینه از تمام نیروها

فعالیت تجاری

فعالیت دریایی

فعالیت صنعتی و ... (منتظرالقائم و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۴).

برابر برخی روایات، پس از رحلت حضرت سلیمان (ع)، فرزندش رحبعام، با آنکه شایستگی نداشت (قمی، ۱۳۶۷: ۲۳۸/۲) به جای پدر نشست. از یاد خدا روی برتافت و ظلم و ستم پیشه کرد. او با واگذاری ارکان حکومت به افراد نالایق و بی تقوا، زمینه‌های فروپاشی تمدن سلیمانی را فراهم کرد. به مرور زمان، بت پرستی بین بنی اسرائیل رواج یافت و آنان آیین قبطیان بت پرست را به رسمیت شناختند و کار بدانجا رسید که در شهرهای «دان» و «بیت نیل» دو گوساله زرین ساختند که مردم دور آن طواف و برایشان قربانی می‌کردند (شاه‌مرادی، ۱۳۸۴: ۲۳۸). در این هنگام اقوام و اسباط بنی اسرائیل یکی پس از دیگری مورد حمله و تاخت و تاز آشوریان و بابلیان قرار گرفتند. اورشلیم تخریب شد و یهودیان اسیر شدند (تورات، مراثی ارمیا، ۱-۲؛ شاه‌مرادی، ۱۳۸۴: ۲۳۹) و تمدن آنان رفته رفته نابود شد.

۵. تمدن در سرزمین سبأ

قرآن کریم در آیاتی از سوره نمل (۲۳-۴۴) و سوره سبأ (۱۵-۲۰) از قوم سبأ و تمدن آنان سخن گفته است. بقایایی از این تمدن، همانند عرش بلقیس، هم‌اکنون نیز موجود است. کاوش‌های باستان‌شناسی، که اخیراً به وسیله شرق‌شناسان انجام شده، نشان‌دهنده تمدنی قوی در یمن است. در شهر مآرب، که همان شهر سبأ است، کاخ‌های بلندی وجود دارد که درها و سقف‌های آن با طلا زینت شده است و ظرف‌های طلا و نقره فراوانی در آن دیده می‌شود (لوبن، ۱۳۳۴: ۹۶).

مظاهر تمدنی قوم سبأ را می‌توان در این امور خلاصه کرد:

پیشرفت‌های شگرف صنعتی و کشاورزی؛ به فرموده قرآن، برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای از قدرت الهی بود (سبأ: ۱۵). قوم سبأ با استفاده از شرایط خاص مکانی و چگونگی کوه‌های اطراف آن منطقه و هوش سرشار خداداد توانستند سد عظیمی ایجاد کنند که باعث رونق کشاورزی آنان شده بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۶/۱۸).

داشتن ملزومات حکومت؛ اینکه هدهد درباره حاکم آنان به حضرت سلیمان می‌گوید: «اوتیت من کُلِّ شَیْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳)، نشان می‌دهد که وی بر سرزمینی پهناور حکومت می‌کرد و همه چیزهایی را که مورد نیاز پادشاهان است در اختیار داشت (طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۴۱/۷).

داشتن حکومت مقتدر؛ بنا بر برخی از تفاسیر، «عرش»، کنایه از عزت، سلطنت و مملکت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۸؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۳۴۱/۷) و «عرش عظیم» به معنای حکومتی پهناور و بزرگ است. این تفسیر نیز شاهدی بر تمدن شگرف در سرزمین سبأ است.

پاسخ بزرگان قوم سبأ به بلقیس نیز به صراحت بر وجود حکومتی مقتدر در آن زمان دلالت می‌کند (نمل: ۳۳). «قُوَّةٌ» به معنای نیرو و نکره آمدنش بیانگر عظمت و گستردگی آن است. بنابراین، «نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً» یعنی، ما از نیرویی بسیار گسترده و عظیم برخورداریم (هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، ۱۳۷۹: ۲۳۵/۱۳).

برابر برخی روایات «أولوا قوَّة» لشکری است که دست کم ده‌هزار نیرو داشته باشد (صدوق، ۱۳۹۵: ۶۵۴). برابر برخی دیگر از روایات، آنان هزار «قیل» (قبیله، گروه) بودند و حاکم هر «قیل» پادشاهی بود که از پادشاه اعظم، درجه‌اش پایین‌تر بود و در زیر فرمان هر «قیل» صد هزار رزمنده وجود داشت (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۳۸/۱۵).

حکومت شورایی؛ برخی از دانشوران داشتن حکومت شورایی را از ارکان و اجزای تمدن می‌دانند. این نشانه در حکومت بلقیس به خوبی دیده می‌شود، چنان‌که قرآن مشورت بلقیس با بزرگان قومش را نقل کرده است (نمل: ۳۲).

از این آیه می‌توان به برخی از مظاهر تمدن در بخش مشاوره در حکومت پی برد از جمله:

۱. بلقیس با درباریان و اشراف حکومت خود، مشاوره می‌کرد. این مطلب از جمله: «أَفْتُونِي فِي أَمْرِي» استفاده می‌شود.

۲. مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم‌گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبأ بوده است.

این مطلب را می‌توان از جمله «مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» استفاده کرد (هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، ۱۳۷۹: ۲۳۵/۱۳).

۳. مشاوران ملکه سبأ، عده‌ای خبرگان قومش بودند. این مطلب را می‌توان از تعبیر «ملاً» استفاده می‌شود. زیرا ملاً به اشراف و بزرگان یک قوم گفته می‌شود. نقطه ضعف تمدنی قوم یادشده، بی‌توجهی به معنویت، بت‌پرستی و خدانشناسی بود؛ چنان‌که هدهد پس از گزارش مظاهر تمدنی و پیشرفت‌های آنان، به نکته فوق اشاره کرده است (نمل: ۲۴). بی‌توجهی آنان به معنویت باعث شد استقلال سیاسی و اجتماعی‌شان را از دست بدهند و تسلیم حکومت الاهی حضرت سلیمان بشوند. در این بین، هوشیاری ملکه باعث شد آنان در سایه حکومت الاهی سلیمان به زندگی خود ادامه دهند.

۶. تمدن در دوران ذوالقرنین

آیه ۸۴ سوره کهف بر تمدن ذوالقرنین دلالت می‌کند. این آیه مطلق است و نشان می‌دهد که خداوند اسباب و وصول به هر چیزی را در اختیار ذوالقرنین گذارده بود: عقل و درایت کافی، مدیریت صحیح، قدرت و قوت، لشکر و نیروی انسانی و امکانات مادی؛ خلاصه آنچه از وسایل معنوی و مادی برای پیشرفت و رسیدن به هدف‌ها لازم بود در اختیار داشتند (نیز نک: کهف: ۸۵، ۸۹، ۹۲).

علاوه بر مسافرت‌های بین‌قاره‌ای به همراه لشکری انبوه، مهم‌ترین مصداق تمدنی ذوالقرنین، سدسازی، آن هم با قطعات آهن و سرب بود (کهف: ۹۵-۹۷). برخی از مظاهر تمدنی ذوالقرنین که از آیات سوره کهف استفاده می‌شود عبارت‌اند از: ایجاد حکومتی بسیار قوی؛ در اختیار داشتن اسباب علمی و عملی برای کارها؛ پیشرفت فوق‌العاده سدسازی با فلزات؛ ارتباطات قوی فرهنگی با اقوامی که زبان‌های مختلف داشتند؛ پیشرفت صنایع فلزی (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۳۶/۱۲).

بسیاری از مفسران معتقدند ذوالقرنین همان کورش کبیر است؛ (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۹۱/۱۳؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۵۴۳/۱۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۳۳۹؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۰۳/۸؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۹۸/۵؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۴۵۳/۶). در این صورت، آثار به‌جای‌مانده از تمدن زمان کورش نیز می‌تواند نشان مناسبی از تمدن آن زمان باشد.

تمدن ذوالقرنین را می‌توان نمادی از تمدن بر پایه معنویت نامید. زیرا پایه‌گذار آن از خداوند سخن می‌گفت، سخت بر عدالت پای می‌فشرد و امکانات و موقعیتش را از آن

خود نمی‌دانست. از این‌رو در پاسخ به افرادی که از وی خواستند در برابر دریافت هزینه برای آنان سد بسازد گفت «ما مَكْنَى فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ» (کهف: ۹۵)؛ «پس از ساخت و تکمیل پروژه نیز شکر الاهی به جای آورده، گفت: «هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي» (کهف: ۹۸) و در عین حال تأکید کرد که هیچ یک از اسباب مادی نمی‌تواند در برابر قدرت الاهی، مقاومت کند.

۷. تمدن‌های زمان نزول قرآن

بدون تردید در زمان نزول قرآن چند تمدن قوی وجود داشت. مهم‌ترین تمدن‌های آن زمان تمدن‌های پنج‌گانه فارس و بابل در شمال شرق، روم در شمال، مصر در شمال غرب، و یمن در جنوب شبه‌جزیره عرب بودند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۹۸/۲). ساخت قصرهای باشکوه، پیام‌رسانی مدرن، ایجاد لشکری قوی و کارآمد، ایجاد سازمان‌های مالیاتی، دانشگاه و دیگر مراکز آموزشی و ... همه نمادهایی از تمدن ایران در عهد نزول قرآن کریم است.

بزرگ‌ترین مشکل تمدن ایران نیز خداناباوری، شرک، کفر و عصیان بود و همین مطلب بود که نابودی آن تمدن کهن را رقم زد. جنگ‌های طولانی میان امپراتوری روم و ایران سال‌ها ادامه داشت و با پیروزی ابتدایی ایرانیان و سپس شکست لشکر ایران همراه بود که در قرآن نیز بدان اشاره شده (روم: ۲-۵) و خود می‌تواند نشانه‌ای از وجود لشکری توانا در ایران در عصر نزول قرآن باشد.

تمدن روم نیز از مهم‌ترین و ریشه‌دارترین تمدن‌های بشری است که در عصر نزول قرآن نیز زمان پویایی و شکوفایی خود را می‌گذراند. در ابتدای سوره روم نیز گزارش کوتاهی از نبردهای دو امپراتوری ایران و روم ارائه شده؛ چنان‌که نامه رسول اعظم به امپراتوری روم و پاسخ امپراتوری که در کتاب‌های تاریخ از آن یاد شده، مشهور است. هرچند در آن زمان تمدن‌های دیگری نیز وجود داشت که قرآن از آن نامی نبرده که از جمله آن می‌توان به تمدن مصر و هند و چین در عصر نزول قرآن اشاره کرد.

در بخش‌هایی از جزیره‌العرب نیز وجود آثار تمدنی گزارش شده است؛ یمن و حَضْرَمَوْت در جنوب و مناطقی از شمال شبه‌جزیره، تشکیلات حکومتی خاص و

شهرهایی با دیوارها و ساختمان‌های بلند و سازمان‌های دینی عهده‌دار امور روحی و دینی مردم داشتند (علی، ۱۹۷۶: ۲۱۸/۱؛ دوران، ۱۳۷۸: ۱۹۸/۴).

علی‌رغم آنچه گذشت، با مراجعه به قرآن و احادیث نبوی و علوی درمی‌یابیم، در آن عهد در حجاز تمدن قابل توجهی وجود نداشت. وجود عقاید و رفتارهای ابتدایی همچون شرک (انعام: ۱۹؛ اعراف: ۱۹۴-۱۹۵)، انکار زندگی دوباره (هود: ۷)، فرزندکشی (اسراء: ۳۱)، تکیه بر سنت‌های قبیله‌ای و آداب و رسوم پدران و جنگ‌های توان‌فرسا و ... جامعه یادشده را از داشتن تمدن محروم کرده بود.

در مکه و با آغاز بعثت و دعوت پیامبر اکرم (ص)، زمینه‌های تمدن اسلامی بر پایه قرآن شکل گرفت. با هجرت مسلمانان به مدینه و برپایی حکومت و وجود فضای امن در این شهر، بسترهای تمدن به طور کامل‌تری فراهم شد (دوران، ۱۳۷۸: ۲۱۳/۴). این تمدن به پویایی خود ادامه داد و تا آنجا رشد کرد که بدون تردید در زمره مهم‌ترین تمدن‌های بشری رخ نمود.

در قرن‌های بعدی با دور شدن مردم از تعالیم اسلامی، تمدن اسلامی روی به افول نهاد، ولی پس از انقلاب اسلامی ایران، دوباره موج اسلام‌خواهی همچون آبی زلال در بین مسلمانان جریان یافت و می‌رود تا بر پایه تمدن پیشین اسلامی، تمدنی نوین را بنا نهد. اندیشمندان و کسانی که در فکر ایجاد تمدن بزرگ علوی هستند باید سرنوشت دیگر تمدن‌ها را مطالعه کنند و از آنها درس بیاموزند. اگر تمدن نوین بر پایه معنویت و رضوان الهی پایه‌گذاری شود، تمدنی پویا، همگانی، عدالت‌آفرین و جامع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در بررسی مهم‌ترین تمدن‌هایی که قرآن از آن یاد کرده به این نتیجه می‌رسیم که تمدن‌های یاد شده را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

الف. تمدن‌هایی همانند تمدن‌های دوران حضرت سلیمان (ع) و حضرت داوود (ع) و حضرت یوسف (ع) که علاوه بر جنبه‌های مادی، بر پایه معنویت نیز بنا نهاده شده بود؛ در این تمدن‌ها، علاوه بر مظاهر مادی، به مظاهر معنوی و فرهنگی نیز توجه می‌شد و تمدنی متوازن پایه‌ریزی شده بود. لذا تا زمانی که معنویت خود را حفظ می‌کرد، خیر و خوبی در دنیا و آخرت را برای مردمی که در آن دوران زندگی می‌کردند

به ارمغان می‌آورد.

ب. تمدن‌هایی که تنها بر پایه‌های مادی بنا نهاده شده بود. این تمدن‌ها شاید چند روزی در دنیا باعث پیشرفت‌هایی برای مردم می‌شد ولی همین پیشرفت‌ها باعث نابودی آنها شد یا دست‌کم نتوانست جلوی نابودی آنها را بگیرد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۶). *مقلمة ابن خلدون*، به کوشش: علی عبد الواحد، قاهرة: دار نهضة مصر.
- ابن واضح یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۰۰). *التحریر والتنویر*، بیروت: مؤسسة التاریخ.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، الطبعة الثالثة، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الیاس، آنتون؛ الیاس، ادوارد ا. (۱۹۷۹). *قاموس الیاس العصری*، قاهرة: شرکت دار الیاس العصری.
- بیومی، مهران (۱۳۸۳). *بررسی تاریخی قصص قرآن*، ترجمه: مسعود انصاری، تهران: علمی و فرهنگی.
- پیرو، آلن (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). *تفسیر کوثر*، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن*، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دروزة، محمد عزت (۱۳۸۳). *التفسیر الحدیث*، قاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
- دهخدا، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۳). *لغت نامه*، تهران: انتشارات دهخدا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، الطبعة الاولى، دمشق: دار العلم الدار الشامیة.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۷). *زمینه فرهنگ شناسی*، بی جا: انتشارات مهدی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۷). *الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التنزیل*، بیروت: دار الفکر.
- زناتی، أنور محمود (۲۰۰۶). *معجم المصطلحات الاسلامیة*، مکتبة النهضة المصریة.
- سزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹). *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، الطبعة الاولى، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سیاح، احمد (۱۳۷۲). *فرهنگ دانشگاهی*، عربی به فارسی، تهران: انتشارات اسلام.
- سید قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲). *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت: دار الشروق.
- شاه مرادی، علی (۱۳۸۴). *تاریخ یهود از تشکیل سلطنت تا تجزیه آن*، چاپ اول، زنجان: انتشارات نیکان کتاب.
- شایسته، فریدون (۱۳۸۱). «تمدن و فرهنگ مصر باستان در چشم انداز تاریخ»، در: *مجله رشد*

- آموزش تاریخ، ش ۱۰، ص ۱۹-۲۳.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۹۵). کتاب کمال الدین و تمام النعمه، الطبعة الثانية، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طبیان، سید حمید (۱۳۷۸). فرهنگ فرزانه فارسی - عربی، تهران: نشر فرزانه.
- طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
- علی، جواد (۱۹۷۶). المفصل، بیروت: دار العلم للملایین.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم: دار الکتب.
- کتاب مقدس (۱۳۵۷). ترجمه خاجیکی، سارو، بی‌نا.
- کوروفکین، فنودور (۱۳۵۹). تاریخ شرق باستان، ترجمه: غلامحسین متین، چاپ ششم، انتشارات اخگر.
- گولد، جولیس (۱۳۸۴). فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر پرهام، تهران: نشر مازیار.
- لوبن، گوستاو (۱۳۳۴). تمدن اسلام و عرب، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- ماله، آلبر؛ ژول، ایساک (۱۳۴۲). تاریخ ملل شرق و یونان، ترجمه: عبدالحسین هژیر، انتشارات عطار.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار الوفاء.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- منتظرالقائم، اصغر؛ سلیمانی، زهرا (۱۳۸۸). «توسعه و تمدن‌سازی در حکومت‌های دینی»، در: فصل‌نامه تاریخ در آیین پژوهش، س ۶، ش ۴، ص ۶۵-۸۴.
- مبیدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۸۵). فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۷۹). تفسیر راهنما، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.